**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

جلسه66 **– 18/ 1/ 1397 آیه 234 سوره بقره /آیات عدّه در قرآن /کتاب العدد**

خلاصه : استاد گرامی در جلسه گذشته با توجه به قول لغویون به بررسی کلام علامه طباطبایی در معنای تربص پرداختند و در ادامه نسخ آیه دیگر توسط این آیه شریفه را توضیح دادند. ایشان در این جلسه کلام مفسران و روایات دال بر نسخ آیه 240 بقره و نیز روایات معارض را بررسی می‌کنند.

**نسخ آیه 240 بقره**

در جلسه قبل عرض کردیم که از بعضی روایات استفاده می‌شود که آیه شریفه ﴿وَ الَّذینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً یَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ فیما فَعَلْنَ فی‏ أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبیرٌ﴾ ناسخ آیه 240 سوره بقره است که می‌فرماید: ﴿وَ الَّذینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً وَصِیَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَی الْحَوْلِ غَیْرَ إِخْراجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ فی‏ ما فَعَلْنَ فی‏ أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَ اللَّهُ عَزیزٌ حَکیمٌ﴾. قدری در این باره بحث کردیم که اگر بخواهیم ناسخ بودن این آیه را توجیه کنیم، چگونه می‌شود بین این دو آیه جنبه ناسخیت و منسوخیت برپا باشد در حالی که موضوع آن‌ها به حسب ظاهر متفاوت است، البته اصل این مطلب که آیا این آیه آن را نسخ کرده، نیازمند بررسی روایات است.

در عبارت‌های مفسران بحث شدیدی واقع شده که مراد از آیه امتاع چیست و چه طوری نسخ شده است. اکثر مفسران به منسوخ بودن آیه امتاع حکم کرده‌اند ولی در باره این که به چه نسخ می‌شود بحث کرده‌اند. بعضی گفته‌اند به آیه میراث نسخ شده، برخی گفته‌اند آیه اعتداد ناسخ آن است، به نظر بعضی به حدیث لا وصیة لوارث نسخ شده است و نظرات دیگری نیز بیان شده است. بیش از همه، در تفسیر طبری اختلاف اقوال آمده است. حالا ما به بعضی از نکات اشاره می‌کنیم و محور اصلی را روایاتی که در این زمینه وارد شده است قرار می‌دهیم. از بعضی از روایات ما استفاده می‌شود که آیه امتاع منسوخ است. تقریباً هیچ یک از این روایات به تنهایی از جهت سندی تام نیست و همه به یک معنا مرسل هستند. روایات را می‌خوانم تا اولاً ببینیم آیا می‌توانیم از حیث سندی آن‌ها را تصحیح کنیم و ثانیاً آیا این‌ها معارض دارند و به بعضی از اقوال عامه هم اشاره می کنیم.

**کلام شیخ طوسی**

قبل از این که به این روایات بپردازیم عبارت تبیان را می‌خوانم، شاید از جهتی مناسب باشد. مرحوم شیخ طوسی در تبیان دعوایی شبیه اجماع کرده که آیه امتاع منسوخ است ولی عبارت خاصی دارد: هذه الآیة منسوخة الحکم بالآیة المتقدمة، و هی قوله: «وَ الَّذِینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً یَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً» بلا خلاف فی نسخ العدة. از آیه متاعا الی الحول استفاده می‌شود که عده

یک سال بوده است ولی این حکم به وسیله آیه یتربّصن بانفسهنّ اربعه اشهر و عشراً نسخ شده است. إلّا أبا حذیفة، فانه قال: العدة أربعة أشهر و عشراً. می‌گوید از همان اول هم چهار ماه و ده روز بوده است و هیچ وقت بیشتر نبوده است. و ما زاد الی الحول یثبت بالوصیة و النفقة. نمی‌دانم النفقه چیست؟ مثلاً اگر و ما زاد الی الحول و النفقه یثبت بالوصیه بود خوب بود. فان أمتع الورثة من ذلک امتع باید امتنع باشد و دیدم بعضی از تبیان امتنع نقل کرده‌اند، نمی‌دانم نسخه چاپی غلط بوده یا این نسخه کامپیوتری غلط است کان لها أن تتصرف فی نفسها. ابا حذیفه را پیدا نکردم چه کسی است. گاهی در سندهای تفسیر طبری ابا حذیفه هست ولی مستقیم مطلب نقل نکرده بلکه از دیگران مطالبی را آورده است. فأما حکم الوصیة، فعندنا باق لم ینسخ حکم وصیت باقی است. گویا از آن دو حکم عده و وصیت استفاده می‌شود و می‌گوید حکم عده‌اش نسخ شده است بلا خلاف الا ابا حذیفه و حکم وصیتش باقی است فعندنا باق لم ینسخ إن کان علی وجه الاستحباب. و حکی عن ابن عباس، و الحسن، و قتادة، و مجاهد: أنها منسوخة که این وصیت منسوخ است و قد بینا فساد قولهم: لا وصیة لوارث. فأما آیة المیراث، فلا تنافی الوصیة، فلا یجوز أن تکون ناسخة لها.[[1]](#footnote-1) این‌ها این جور معنا کرده‌اند که آیه میراث می‌فرماید ولو وصیت هم بکنید ورثه سهمشان را ارث می برند. گویا لازمه این مطلب این است که شیخ طوسی بخواهد بفرماید آیه میراث ناظر به این است که فی نفسه باشد یعنی وقتی دو آیه میراث و وصیت را کنار هم بگذارند حکم لولایی و شأنی در مورد آیه میراث استفاده می‌شود یعنی ورثه آن ارث را می‌برند اگر وصیتی نباشد فی نفسه. از ناحیه روایات مسلم است که در مورد وارث هم می‌شود وصیت کرد و هیچ اشکالی هم ندارد و روایتی که نقل کرده‌اند لا وصیه لوارثه درست نیست.[[2]](#footnote-2)

ولی مرحوم آقای معرفت بحث مفصلی در مورد این آیه مطرح کرده‌اند و از آقای خویی نقل می‌کنند که منکر نسخ در این آیه هستند. در جلد 3 کتاب التفسیر الاثری الجامع، هفت هشت صفحه در این باره بحث کرده‌اند.

**روایات مرتبط**

من قبل از آن بحث‌ها روایت‌هایی را که در این زمینه وارد شده است می‌خوانم تا ببینیم از روایات متناً و سنداً چه چیزی استفاده می‌شود. روایاتی که با این آیه ارتباط دارد عبارتند از: باب 14 از ابواب

العدد حدیث 5 تا 9 رقم 40595 تا رقم 40600، باب 17 حدیث 4 رقم 40644، باب 18 حدیث 9 رقم 40633. شاید در روایت‌های دیگری هم وجود داشته باشد.

**روایت اول و دوم**

اولین روایتی که می‌خوانم از تفسیر عیاشی است. عن أبی بصیر عن أبی جعفر 7 قال سألته عن قوله «متاعا إلی الحول غیر اخراج» قال منسوخة نسختها «یتربصن بأنفسهن أربعة أشهر وعشرا» و نسختها آیة المیراث.[[3]](#footnote-3)

این مطلب در کتب تفسیری هم مکرر وارد شده است که هم آیه اعتداد چهار ماه و ده روز و هم آیه میراث این آیه را نسخ کرده‌اند ولی در این که چه طور نسخ کرده‌اند عبارت‌ها مختلف است. در جامع البیان از ضحاک این گونه نقل می‌کند: هذا منسوخ، نسخ النفقة علیها الربع و الثمن من المیراث، و نسخ الحول أربعة أشهر و عشرا.[[4]](#footnote-4) از قتاده نیز نقل شده است: فی قوله تعالی وصیه لازواجهم قال نسخها المیراث و قوله متاعاً الی الحول نسختها العدة اربعة اشهر و عشراً.[[5]](#footnote-5) می‌گوید بخشی از آیه را آیه میراث نسخ کرده است و قسمت دیگرش را آیه اعتداد چهار ماه و ده روز.

این روایت از لحاظ سندی مرسل است. نقل دوم از ابن ابی عمیر هم عین همین است.[[6]](#footnote-6)

**روایت سوم**

روایت دیگر هم باز عن ابی بصیر است. عن أبی بصیر قال سألته عن قول الله «والذین یتوفون منکم ویذرون أزواجا وصیة لأزواجهم متاعا إلی الحول غیر اخراج» قال هی منسوخة قلت وکیف کانت قال کان الرجل إذا مات أنفق علی امرأته من صلب المال حولا ثم أخرجت بلا میراث. یک سال به او نفقه پرداخت می‌شد و بعد از یک سال میراث دیگری نداشت. ثم نسختها آیة الربع والثمن. این جا ناسخ را آیه ربع و ثمن قرار داده است. فالمرأة ینفق علیها من نصیبها.[[7]](#footnote-7)

در بعضی از عبارت‌های عامه هم همین حق یک ساله سکنی و نفقه را ارث زن قرار داده شده است. جامع البیان از عطا این طور نقل می‌کند: کان میراث المرأة من زوجها من ریعه باید رَبع باشد به معنی خانه أن تسکن إن شاءت من یوم یموت زوجها إلی الحول، یقول: فَإِنْ خَرَجْنَ فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ الآیة. ثم نسخها ما فرض الله من المیراث.[[8]](#footnote-8) گویا خود حق السکنی میراث مرأة بوده است و بعد که میراثی تعیین شده به این تبدیل شده است.

این روایت هم از حیث سندی مرسل است. در روایت قبلی ابن ابی عمیر عن معاویه بود. معاویه‌ای که ابن ابی عمیر از او نقل می‌کند دو معاویه معروف هستند: معاویه بن وهب و معاویه بن عمار و هر دو ثقه و راوی از امام صادق 7 هستند. مرجع ضمیر سألته در آن روایت امام صادق 7 هستند. بنابراین یکی از امام صادق 7 است و دیگری از امام باقر 7. این روایت دوم قال سألته دارد و مرجع ضمیر را تعیین نکرده است و متنش هم متفاوت است و به نظر می‌رسد که روایت دیگری غیر از آن روایت ابی بصیر عن ابی جعفر 7 است. آن متن طولانی‌تری دارد و هم ناسخش متفاوت است و هم توضیحاتی که دارد این جور نیست که بگوییم روایت اول تلخیص شده روایت دوم است. به نظر می‌رسد که دو روایت از ابی بصیر داشته باشیم و یک روایت از معاویه.

**روایت چهارم**

روایت بعدی که همین مضمون در آن وجود دارد در رساله المحکم و المتشابه هست[[9]](#footnote-9) و متنش چنین است: فی بیان الناسخ و المنسوخ قال و من ذلک ان العدة کانت فی الجاهلیة علی المرأة سنة کاملة و کان اذا مات الرجل القت المرأة خلف ظهرها شیئا بعرة أو ما یجری مجراها چیز خیلی پستی مثل پشگل شتر را پشت سرش می‌انداخته است و این جنبه نمادین داشته است و قالت البعل اهون علی من هذه شوهر از این هم برای من پست‌تر است و من به هیچ وجه دست به این کار پست نمی‌زنم و لا اکتحل و لا امتشط و لا اتطیب حداد یک ساله داشته است. کحل، مشط، شانه کردن، تیپ زدن و تزیّن به معنای

عامش را انجام نمی‌دهم و لا اتزوّج سنة فکانوا لا یخرجونها من بیتها او را از خانه‌اش خارج نمی‌کردند بل یجرون علیها من ترکة زوجها سنة یک سال به او نفقه می‌دادند فانزل الله فی اول الاسلام وَ الَّذِینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً وَصِیَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَی الْحَوْلِ غَیْرَ إِخْراجٍ‏ فلما قوی الاسلام انزل الله تعالی وَ الَّذِینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً یَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ‏.[[10]](#footnote-10)

در تفسیر علی بن ابراهیم هم این جور وارد شده است: فأما الناسخ و المنسوخ- فإن عدة النساء کانت‏ فی‏ الجاهلیة إذا مات‏ الرجل‏ تعتد امرأته سنة- فلما بعث رسول الله9لم ینقلهم عن ذلک و ترکهم علی عاداتهم- و أنزل الله تعالی بذلک قرآنا فقال «وَ الَّذِینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً وَصِیَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَی الْحَوْلِ غَیْرَ إِخْراجٍ‏» فکانت العدة حولا فلما قوی الإسلام أنزل الله «الَّذِینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً- یَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً» فنسخت قوله «مَتاعاً إِلَی الْحَوْلِ غَیْرَ إِخْراجٍ‏».[[11]](#footnote-11) عبارت‌های مقدمه تفسیر علی بن ابراهیم خلاصه همین تفسیر نعمانی یا رساله محکم و متشابه است. عبارت سعد بن عبد الله از همه این‌ها مفصل‌تر است. رساله محکم و متشابه مقداری ملخص است و تفسیر علی بن ابراهیم باز چکیده‌تر است و پیداست که از آن گرفته شده است.

در تفسیر قمی دو جا به این آیه اشاره شده است، یکی همین جا و دیگری در صفحه 77 و به نظرم در مقدمه است. در مقدمه این بحث را مطرح کرده است که گاهی منسوخ متأخر از ناسخ است در حالی که به طور طبیعی ابتدا منسوخ و سپس ناسخ نازل شده است. می‌گوید ترتیب آیات قرآنی مثل ترتیب نزول نیست و بعضی آیات اول نازل شده‌اند ولی در ترتیب آیات قرآنی متأخر قرار گرفته‌اند. تفاوت بین تألیف و ترتیب نزول را بیان می‌کند.[[12]](#footnote-12)

ممکن است کسی بگوید چون این روایات زیاد است و مؤیداً به قول مفسران، به صدور این روایات اطمینان پیدا می‌کنیم، ولی به نظر من مشکل است و این مقدار برای اطمینان پیدا کردن کافی نیست، به خصوص با توجه به این‌که روایت‌های معارضی وجود دارد که بعضی از آن‌ها هم از جهت سندی معتبر

هستند. گاهی معارضات در این که انسان به صدور این روایات اطمینان کند تأثیر می‌گذارد و انسان این احتمال را می‌دهد که این‌ها اصلاً صادر نشده باشند، به خصوص که همه این‌ها مرسل هستند و نمی‌دانیم سندهایشان چه طور بوده است و این‌که اصلاً این مضامین در کتب حدیثی معتبر دیگر مثل کافی نیامده است.

**روایت معارض اول**

یکی از روایاتی که به نظر می‌رسد معارض است در خود تفسیر عیّاشی است: عَنْ أَبِی بَکْرٍ الْحَضْرَمِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآیَةُ «وَ الَّذِینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ- وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً یَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً» جِئْنَ النِّسَاءُ یُخَاصِمْنَ رَسُولَ اللَّهِ9وَ قُلْنَ لَا نَصْبِرُ زن‌ها آمدند و گفتند ما صبر نمی‌کنیم فَقَالَ لَهُنَّ رَسُولُ اللَّهِ ص: کَانَتْ إِحْدَاکُنَّ إِذَا مَاتَ زَوْجُهَا أَخَذَتْ بَعْرَةً- فَأَلْقَتْهَا خَلْفَهَا فِی دُوَیْرِهَا فِی خِدْرِهَا ثُمَّ قَعَدَتْ، فَإِذَا کَانَ مِثْلُ ذَلِکَ الْیَوْمِ مِنَ الْحَوْلِ أَخَذَتْهَا فَفَتَّتْهَا می‌گوید آن را می‌آورده و بعد می‌شکسته است و مثل این که این نمادی بوده است که قضیه تحریم تمام شد ثُمَّ اکْتَحَلَتْ بِهَا ثُمَّ تَزَوَّجَتْ- فَوَضَعَ اللَّهُ عَنْکُنَّ ثَمَانِیَةَ أَشْهُرٍ.[[13]](#footnote-13) این روایت می‌گوید که رسم جاهلی یک ساله‌ای بوده است و خدا آن را کم کرده و چهار ماه و ده روز قرار داده است. قبلاً یک سال صبر می‌کردند شما چهار ماه و ده روز نمی‌توانید تحمل کنید؟ خیلی مستبعد است که آیه‌ای نازل شده باشد که بر آن رسم جاهلی تأکید کرده باشد و رسم جاهلی هم تثبیت شده باشد، بعد هم زن‌ها بگویند لا نصبر. علاوه بر این که در این آیه هیچ اشاره‌ای نمی‌کند که آن رسم جاهلی ثابت بوده است. به نظر می‌رسد که ظاهر آیه این است که رسم جاهلی در اسلام تثبیت نشده است. این روایت از حیث سندی مرسل است و خیلی قابل اعتماد نیست ولی در عدم اطمینان به صدور آن روایات اثرگذار است.

**روایت معارض دوم**

روایت دیگر در باب 17 حدیث 4 است. علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن محبوب عن علی بن رئاب عن ابی بصیر عن ابی عبد الله 7. این سند بنا بر تحقیق صحیحه است چون متأخرین در باره ابراهیم بن هاشم تعبیر صحیحه می‌کنند. ابی بصیر علی وجه الاطلاق حتی در روایت علی بن رئاب هم یحیی اسدی مراد است و یحیی اسدی هم از اصحاب اجماع و از اجلای ثقات است. بحث مفصل این در رساله ابی بصیر مرحوم سید مهدی خوانساری آمده است.

متنش این است: عن ابی عبد الله 7 قال سألته عن المرأة یتوفی عنها زوجها وتکون فی عدتها أتخرج فی حق فقال إن بعض نساء النبی صلی الله علیه وآله سألته فقالت إن فلانة توفی عنها زوجها فتخرج فی

حق ینوبها گمان می‌کنم مراد از حق ینوبها شرکت در فاتحه باشد، می‌گوید ای ما ینظر بها من المهمات و المصیبات. نمی‌دانم دقیقاً مراد این است یا خیر. فقال لها رسول الله صلی الله علیه وآله أف لکن قد کنتن من قبل أن ابعث فیکن وان المرأة منکن إذا توفی عنها زوجها أخذت بعرة فرمت بها خلف ظهرها ثم قالت لا امتشط ولا اکتحل ولا اختضب حولا کاملا وانما أمرتکن بأربعة أشهر وعشرا ثم لا تصبرن لا تمتشط ولا تکتحل ولا تختضب ولا تخرج من بیتها نهارا ولا تبیت عن بیتها اگر هم کاری دارد و شبانه باید برود، یک شب نباید خارج از خانه بماند. فقالت یا رسول الله فکیف تصنع إن عرض لها حق فقال تخرج بعد زوال اللیل وترجع عند المساء فتکون لم تبت عن بیتها نباید یک شبانه روز خارج از خانه بماند. قلت له فتحج قال نعم.[[14]](#footnote-14) برای حج مانعی ندارد. تعبیر این روایت این است که که این سنت قبل ان ابعث بوده است و اگر قرار بود بعد از بعث هم قرآن برایش نازل شده باشد، تعبیر قبل ان ابعث درست نبود. معنایش این است که این آیه شریفه ربطی به این ندارد. این که به چه معناست بحث دارد و بعد می‌گویم. این روایت صحیح السند است.

**روایت معارض سوم**

حدیث 9 باب 18: از لحاط سندی روی این روایت تأمل فرمایید. بعداً در مورد سندش صحبت می‌کنم. حمید عن ابن سماعة عن محمد بن أبی حمزة عن أبی أیوب عن محمد بن مسلم قال جاءت امرأة إلی أبی عبد الله 7 تستفتیه فی المبیت فی غیر بیتها وقد مات زوجها فقال إن اهل الجاهلیة کان إذا مات زوج المرأة أحدث امرأته اثنی عشر شهرا فلما بعث الله محمدا صلی الله علیه وآله رحم ضعفهن فجعل عدتهن أربعة أشهر وعشرا و أنتن لا تصبرن علی هذا.[[15]](#footnote-15)

این که ابتدائاً همان سنت جاهلیت وجود داشته باشد خیلی منافات با این آیه دارد. ظاهر این‌ها این است که این سنت جاهلی در اسلام تثبیت نشده است. در باره معنای این آیه بعداً صحبت می‌کنیم. به نظر می‌رسد که اولاً روایت‌هایی که دالّ بر نسخ است از لحاظ سندی معتبر نیست و اگر هم فی نفسه اطمینان به صدورش حاصل می‌شد با توجه به ورود این روایات دیگر اطمینان به صدورش نیست و بنابراین ما نمی‌توانیم قائل به نسخ شویم.

**و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین**

1. تفسیر التبیان، شیخ طوسی، ج2، ص278. هذه الآية منسوخة الحكم بالآية المتقدمة، و هي قوله: «وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً» بلا خلاف في نسخ العدة إلّا أبا حذيفة، فانه قال: العدة أربعة أشهر و عشراً، و ما زاد الى الحول يثبت بالوصية و النفقة، فان أمتع الورثة من ذلك كان لها أن تتصرف في نفسها، فأما حكم الوصية، فعندنا باق لم ينسخ و إن كان على وجه الاستحباب. و حكي عن ابن عباس، و الحسن، و قتادة، و مجاهد: أنها منسوخة بآية الميراث، و قد بينا فساد قولهم: لا وصية لوارث. فأما آية الميراث، فلا تنافي الوصية، فلا يجوز أن تكون ناسخة لها، و قد مضى الكلام في خبر الذين في الآية المتقدمة، فلا وجه لإعادته. [↑](#footnote-ref-1)
2. پاسخ سؤال: سه کتاب تفسیری مجمع البیان، فقه القرآن راوندی و تفسیر ابو الفتوح رازی که در عصر نزدیک به هم هستند، عمده مطالب فقهیشان برگرفته از تبیان شیخ طوسی است و گاهی هم از دیگران دارند. در کنگره ابو الفتوح رازی چند مقاله هم در این مورد نوشته شده بود. فقه القرآن راوندی هم خوب است برای اینکه در اکثر موارد نسخهای از تبیان تلقی شود. امتنع در آن جا نشانگر این است که نسخه ایشان امتنع بوده است. [↑](#footnote-ref-2)
3. جامع احادیث الشیعة، سیدحسین بروجردی، ج27، ص256. ح40597: تفسير العياشي ١٢٢ - عن أبي بصير عن أبي جعفر 2 قال سألته عن قوله «متاعا إلى الحول غير اخراج» قال منسوخة نسختها «يتربصن بأنفسهن أربعة أشهر وعشرا» و نسختها آية الميراث. و فيه ١٢٩ - عن ابن أبي عمير عن معاوية قال سألته عن قول الله (و ذكر مثله). [↑](#footnote-ref-3)
4. جامع البیان، محمد بن جریر طبری، ج2، ص361. سمعت الضحاك يقول في قوله: وَصِيَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْراجٍ المتوفى عنها زوجها كان الرجل إذا توفي أنفق على امرأته في عامه إلى الحول، و لا تزوج حتى تستكمل الحول. و هذا منسوخ، نسخ النفقة عليها الربع و الثمن من الميراث، و نسخ الحول أربعة أشهر و عشرا. [↑](#footnote-ref-4)
5. تفسير القرآن العزيز، عبدالرزاق بن همام‏ صنعانى، ج1، ص109. عبد الرزاق، قال: حدّثنا معمر، عن قتادة، في قوله تعالى: وَصِيَّةً لِأَزْواجِهِمْ: [الآية: 240]، قال: نسخها الميراث، للمرأة الربع أو الثمن. و قوله: مَتاعاً إِلَى الْحَوْلِ: [الآية: 240]، قال: نسختها العدة أربعة أشهر و عشرا. [↑](#footnote-ref-5)
6. جامع احادیث الشیعة ریزهکاریهای اختلاف اقوال در غیر کتب اربعه را اصلاً ذکر نمیکند و جایی که اصل دو روایت مثل هم باشند را مثله تعبیر میکند، در حالی که گاهی بین این دو فرقهای جدی وجود دارد. مثلاً روایت معروف استصحاب که در تهذیب شیخ وارد شده و در رسائل و کفایه به آن توجه شده است، در علل الشرایع وارد شده است که تفاوتهایی دارد و خیلی جاهایش در بحثهای فقهی اثر دارد ولی جامع الاحادیث با اشاره به نقل علل تعبیری شبیه ذکر نظیره یا مثله دارد و به اختلاف نسخهها هیچ اشارهای نکرده است. [↑](#footnote-ref-6)
7. جامع احادیث الشیعة، سیدحسین بروجردی، ج27، ص256. ح40598: تفسير العياشي ١٢٩ - عن أبي بصير قال سألته عن قول الله " والذين يتوفون منكم ويذرون أزواجا وصية لأزواجهم متاعا إلى الحول غير اخراج " قال هي منسوخة قلت وكيف كانت قال كان الرجل إذا مات أنفق على امرأته من صلب المال حولا ثم أخرجت بلا ميراث ثم نسختها آية الربع والثمن فالمرأة ينفق عليها من نصيبها. [↑](#footnote-ref-7)
8. جامع البیان، محمد بن جریر طبری، ج2، ص361. حدثنا القاسم، قال: ثنا الحسين، قال: ثني حجاج، عن ابن جريج، قال: سألت عطاء عن قوله: وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً وَصِيَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْراجٍ المتوفى عنها زوجها قال: كان ميراث المرأة من زوجها من ريعه أن تسكن إن شاءت من يوم يموت زوجها إلى الحول، يقول: فَإِنْ خَرَجْنَ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ الآية. ثم نسخها ما فرض الله من الميراث. قال: و قال مجاهد: وصية لأَزواجهم، سكنى الحول، ثم نسخ هذه الآية بالميراث. [↑](#footnote-ref-8)
9. رسالهای است به نام المحکم و المتشابه که بحثی جدی در باره آن وجود دارد که مؤلف آن کیست. بعضی گفتهاند که برای سید مرتضی است، برخی برای نعمانی میدانند و بعضی گفتهاند برای سید مرتضی است و نقل از نعمانی میکند. سند مفصلی هم دارد. من در این باره در مقاله نعمانی مفصل بحث کردم. به نظر ما هیچ معلوم نیست که این رساله برای نعمانی باشد و نیز روشن نیست که مال سید مرتضی باشد. از لحاظ سندی هم بحثهای مفصل و مشکلاتی دارد که آن جا بحث کردم و در مجله انتظار موعود چاپ شده است. یک شماره از مقالهای که در مورد نعمانی نوشتم در باره رساله متشابه سید مرتضی است. منقولات رساله محکم و متشابه، با ناسخ و المنسوخ سعد بن عبد الله خیلی شبیه است. زمانی که این مقاله را مینوشتم ناسخ و منسوخ سید مرتضی چاپ نشده بود، نسخه خطیاش در کتابخانه آقای مرعشی بود و برای بعضی از کارهایش از آن نسخه خطی استفاده میکردم ولی الآن چاپ شده است و فرصت نکردم نگاه کنم. این رساله «محکم و متشابه» و «ناسخ و منسوخ» سعد بن عبد الله و مقدمه تفسیر علی بن ابراهیم خیلی هم به هم شبیه هستند و من در مقالهام به شباهت این سه اشاره کردم. ما اینها را متن تفسیری میدانیم نه متن روایی. هیچ ثابت نیست که اینها روایت باشند. البته در رساله محکم و متشابه سندی ذکر شده است ولی چون سند قابل اعتماد نیست، باید آن را متن تفسیری تلقی کرد نه متن روایی. [↑](#footnote-ref-9)
10. وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج22، ص237، ط آل البيت. عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُرْتَضَى فِي رِسَالَةِ الْمُحْكَمِ وَ الْمُتَشَابِهِ نَقْلًا مِنْ تَفْسِيرِ النُّعْمَانِيِّ بِإِسْنَادِهِ الْآتِي عَنْ عَلِيٍّ ع فِي بَيَانِ النَّاسِخِ وَ الْمَنْسُوخِ قَالَ: وَ مِنْ ذَلِكَ أَنَ‏ الْعِدَّةَ كَانَتْ‏ فِي‏ الْجَاهِلِيَّةِ عَلَى‏ الْمَرْأَةِ سَنَةً كَامِلَةً وَ كَانَ إِذَا مَاتَ الرَّجُلُ أَلْقَتِ الْمَرْأَةُ خَلْفَ ظَهْرِهَا شَيْئاً بَعْرَةً أَوْ مَا يَجْرِي مَجْرَاهَا وَ قَالَتِ الْبَعْلُ أَهْوَنُ عَلَيَّ مِنْ هَذِهِ وَ لَا أَكْتَحِلُ وَ لَا أَمْتَشِطُ وَ لَا أَتَطَيَّبُ وَ لَا أَتَزَوَّجُ سَنَةً فَكَانُوا لَا يُخْرِجُونَهَا مِنْ بَيْتِهَا بَلْ يُجْرُونَ عَلَيْهَا مِنْ تَرِكَةِ زَوْجِهَا سَنَةً فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِي أَوَّلِ الْإِسْلَامِ‏ وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً وَصِيَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْراجٍ‏- فَلَمَّا قَوِيَ الْإِسْلَامُ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى‏ وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً فَإِذا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ‏- إِلَى آخِرِ الْآيَةِ. [↑](#footnote-ref-10)
11. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، ج1، ص6. فأما الناسخ و المنسوخ- فإن عدة النساء كانت‏ في‏ الجاهلية إذا مات‏ الرجل‏ تعتد امرأته سنة- فلما بعث رسول الله ص لم ينقلهم عن ذلك و تركهم على عاداتهم- و أنزل الله تعالى بذلك قرآنا فقال «وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً وَصِيَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْراجٍ‏» فكانت العدة حولا فلما قوي الإسلام أنزل الله «الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً- يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً» فنسخت قوله «مَتاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْراجٍ‏». [↑](#footnote-ref-11)
12. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، ج1، ص77. و قوله‏ وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً- يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً فهي ناسخة لقوله «وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً- وَصِيَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْراجٍ‏» فقد قدمت الناسخة على المنسوخة في التأليف‏. [↑](#footnote-ref-12)
13. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود العیاشی، ج1، ص121. عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ- وَ يَذَرُونَ أَزْواجاً يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً» جِئْنَ النِّسَاءُ يُخَاصِمْنَ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ قُلْنَ لَا نَصْبِرُ، فَقَالَ لَهُنَّ رَسُولُ اللَّهِ ص: كَانَتْ إِحْدَاكُنَّ إِذَا مَاتَ زَوْجُهَا أَخَذَتْ بَعْرَةً- فَأَلْقَتْهَا خَلْفَهَا فِي دُوَيْرِهَا فِي خِدْرِهَا ثُمَّ قَعَدَتْ، فَإِذَا كَانَ مِثْلُ ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنَ الْحَوْلِ أَخَذَتْهَا فَفَتَّتْهَا ثُمَّ اكْتَحَلَتْ بِهَا ثُمَّ تَزَوَّجَتْ- فَوَضَعَ اللَّهُ عَنْكُنَّ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ. [↑](#footnote-ref-13)
14. جامع احادیث الشیعة، سیدحسین بروجردی، ج27، ص272. ح40644: كا ١١٧ ج ٦ - علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن محبوب عن علي بن رئاب عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال سألته عن المرأة يتوفى عنها زوجها وتكون في عدتها أتخرج في حق فقال إن بعض نساء النبي صلى الله عليه وآله سألته فقالت إن فلانة توفى عنها زوجها فتخرج في حق ينوبها (١) فقال لها رسول الله صلى الله عليه وآله أف لكن قد كنتن من قبل أن ابعث فيكن وان المرأة منكن إذا توفى عنها زوجها أخذت بعرة فرمت بها خلف ظهرها ثم قالت لا امتشط ولا اكتحل ولا اختضب حولا كاملا وانما أمرتكن بأربعة أشهر وعشرا ثم لا تصبرن لا تمتشط ولا تكتحل ولا تختضب ولا تخرج من بيتها نهارا ولا تبيت عن بيتها فقالت يا رسول الله فكيف تصنع إن عرض لها حق فقال تخرج بعد زوال الليل وترجع عند المساء فتكون لم تبت عن بيتها قلت له فتحج قال نعم الدعائم ٢٨٥ ج ٢ - روينا عن جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عن أمير المؤمنين عليهم السلام ان بعض أزواج رسول الله صلى الله عليه وآله سألته (وذكر نحوه). [↑](#footnote-ref-14)
15. جامع احادیث الشیعة، سیدحسین بروجردی، ج27، ص278. ح40663: كا ١١٧ ج ٦ - حميد عن ابن سماعة عن محمد بن أبي حمزة عن أبي أيوب عن محمد بن مسلم قال جاءت امرأة إلى أبي عبد الله عليه السلام تستفتيه في المبيت في غير بيتها وقد مات زوجها فقال إن اهل الجاهلية كان إذا مات زوج المرأة أحدث امرأته اثنى عشر شهرا فلما بعث الله محمدا صلى الله عليه وآله رحم ضعفهن فجعل عدتهن أربعة أشهر وعشرا و أنتن لا تصبرن على هذا. [↑](#footnote-ref-15)